

چندملیتی‌ها و صنعت ایران: ۱۹۵۷ تا ۱۳۳۶/۱۹۷۹ تا ۱۳۵۷^۱

سعید رهنما^۲

مترجم: روح‌الله گلمرادی

توضیح گروه ترجمه و پژوهش منابع خارجی مرکز مطالعات پایداری: در تاریخ‌نگاری اقتصادی دوره پهلوی دوم، یکی از نکته‌هایی که طرفداران این حکومت برجسته می‌کنند، موضوع همکاری شرکت‌های چند ملیتی خارجی در توسعه اقتصادی ایران در آن دوره است. مقاله زیر نگاهی متفاوت به مسئله حضور این شرکت‌ها در توسعه صنعتی ایران دارد. مدعای اصلی نویسنده این است که سیاست صنعتی شاه با تکیه بر شرکت‌های چندملیتی و بدون هرگونه تعهدی به توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران، نتوانست ظرفیت‌های فن‌آوری داخلی کشور را توسعه دهد؛ زیرا حکومت ضمن دادن امتیازهای فراوان به این شرکت‌ها، نظارت دقیقی بر رابطه آن‌ها با شرکت‌های داخلی نداشت. در نتیجه این سیاست ایران نتوانست بنیانی محکم برای توسعه صنعتی و انتقال کامل فن‌آوری تولید از خارج به داخل ایجاد کند. شرکت‌های چند ملیتی به شرکت‌های ایرانی تنها اجازه می‌دادند که قطعه‌های کوچکی از کالاها را در داخل تولید کنند و فن‌آوری اصلی را به شرکت‌های ایرانی انتقال ندادند و شرکت‌های داخلی برای تداوم بهبود طراحی و فن‌آوری تولید به شرکت‌های چند ملیتی وابسته بودند. این امر سبب شد تا صنعت ایران در حد مونتاژ و وابسته به واردات کالا ماند. وقتی نخستین نشانه‌های بحران اقتصادی سپس سیاسی در اواخر دهه ۱۳۵۰ آشکار شد، بخش تولید مدرن با توجه به اتکای شدید بر فن‌آوری و مواد وارداتی و یکپارچگی محدودش، به تدریج از هم پاشید.

□ □ □

در اواخر دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰، برنامه‌های مدرن‌سازی در تثبیت بنیانی محکم برای توسعه صنعتی در ایران شکست خورده بود. ساختاری دوگانه یعنی تعداد محدودی از صنایع و ظرفیت داخلی پایین در صنایع مدرن، ویژگی بخش تولید ایران را مشخص می‌کرد. بخش تولید - که فقط ۱۱.۹ درصد از GDP (۱۷.۶ درصد از GDP غیرنفتی) و ۱۹ درصد از اشتغال را به خود اختصاص می‌داد - به شدت به واردات انواع

زیادی از مواد و قطعات تولیدی وابسته و نتوانسته بود به‌طور کامل در مسیر صادرات محصولات تولیدشده حرکت کند.

دلایل پیچیده ضعف‌های نسبی صنعتی‌سازی ایران با وجود منابع مالی هنگفت کشور و بازار داخلی و نیروی کار بالقوه بزرگ را در اینجا می‌توان طرح کرد. در نتیجه تأثیر متقابل محدودیت‌های داخلی و خارجی، ساختار اقتصادی ایران از نظر تاریخی از دیگر کشورهای جهان‌سومی در حال صنعتی‌شدن، کم‌تر توسعه یافته بود. فرایند صنعتی‌سازی نظام‌مند آن به‌نسبت دیر شروع شده بود. اما، مهم‌تر از نبود بورژوازی صنعتی بومی قدرتمند و سیاست صنعتی دولتی قوی برای توسعه صنعتی کشور، نقش ویژه‌ای است که شرکت‌های چندملیتی در جهت‌دهی فرایند صنعتی‌سازی در ایران ایفا کردند. این وضعیت سیاست‌های معینی را ترغیب می‌کرد که مانع از ایجاد بنیان صنعتی سالمی می‌شدند که ویژگی آن ائتلاف‌ها و پیوندهای عمودی و افقی بود. بورژوازی صنعتی و مالی ایران، با وجود این‌که در مقایسه با جناح‌های دیگر قدرتمند بود،^۳ در راهبرد توسعه‌ای رژیم شاه، نقش فرعی داشت.

بورژوازی صنعتی و مالی بومی هر چند غالباً در تسهیم سود یا زیان مواد و فن‌آوری وارداتی با سرمایه خارجی در تضاد بود، به شرکت‌های چندملیتی نیاز داشت و از سیاست دولت برای حفظ و گسترش مشارکت آن‌ها در اقتصاد ایران حمایت می‌کرد.

مقاله حاضر بر نقشی تمرکز می‌کند که سرمایه خارجی در فرایند صنعتی‌سازی ایران و سیاست صنعتی شاه در مقابل سرمایه خارجی ایفا کرد. در دو بخش زیر تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توافق‌نامه‌های مجوز بر فرایند صنعتی‌سازی ایران شرح داده می‌شود. بخش سوم بر اتکای پایدار صنایع ایران بر مواد و فن‌آوری وارداتی تمرکز می‌کند و در بخش پایانی نتیجه‌گیری‌ها ارائه می‌شود.

سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی

شرکت‌های چندملیتی به شیوه‌هایی گوناگون از جمله تجارت، وام، سرمایه‌گذاری غیر مستقیم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توافق‌نامه‌های مجوز خارجی^۴ در کشورهای جهان سوم فعالیت می‌کنند. گرچه تجارت و استقراض هنوز شیوه‌های اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای جهان سوم است، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی (اف.دی.آی)^۵ و قراردادهای مجوز خارجی (اف.ال.آ) تبدیل به شیوه‌های مسلط این مشارکت شده‌اند. شرکت‌های چند ملیتی نیز به دلایل متفاوت متعددی، جذب سرمایه‌گذاری در کشورهای جهان سوم شده‌اند. تسخیر بازارها، حفظ دسترسی به سرچشمه‌های مواد خام و بهره‌مندی از نیروی کار ارزان و سازمان‌نیافته از جمله مهم‌ترین دلایل این رخداد است. خطر از دست‌دادن بازار موجود در نتیجه فعالیت‌های رقبای خارجی یا اقدامات حمایتی منجر به این شده که بسیاری از شرکت‌های چند ملیتی از اف.دی.آی حمایت کنند. از طریق چنین سرمایه‌گذاری‌هایی، شرکت زیرمجموعه یک شرکت چند ملیتی تبدیل به تولیدکننده‌ای «داخلی» می‌شود و با ابزار تعرفه می‌تواند همه یا بخش زیادی از بازار داخلی را به دست آورد. از نظر بعضی از نظریه‌پردازان، اف.دی.آی نیز با چرخه‌های موج بلند^۶ یعنی نوسانات صعودی و نزولی انبساط و انقباض اقتصادی و توسعه و اشاعه فن‌آوری کشور اصلی پیوند دارد.^۷ به‌طور سنتی، این عوامل، انواع متفاوت اف.دی.آی را تعیین می‌کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد^۸:

۱- اف.دی.آی صادرات‌محور در بخش اولیه^۹؛ قدیمی‌ترین نوع اف.دی.آی است که از آن برای

استخراج مواد خام و منابع طبیعی از کشورهای میزبان سرشار از منابع برای صادرات به کشور مادر

یا کشورهای دیگر با هدف فرآوری استفاده می‌شد؛

۲- اف.دی.آی مبتنی بر تولید داخلی؛ نوعی از سرمایه‌گذاری با هدف تسخیر بازارهای داخلی کشورهای میزبانی که بازارهای داخلی به نسبت بزرگی دارند؛

۳- اف.دی.آی مبتنی بر صادرات در تولید؛ نوعی سرمایه‌گذاری که هدف اصلی آن بهره‌مندی از نیروی سازمان‌نیافته ارزان و زیرساخت‌های کم‌هزینه کشور جهان سوم میزبان برای فرآوری یا تولید محصول برای صادرات به بازارهای کشور مادر یا بازارهای خارجی است؛ و

۴- اف.دی.آی در بخش خدمات؛ نوعی سرمایه‌گذاری که در کشورهایی انجام می‌شود که جذابیت‌های گردشگری زیادی دارند یا در مناطقی که شهرنشینی و صنعتی‌شدن سریع نیاز به این نوع سرمایه‌گذاری را می‌طلبد.

در ایران، جدای از تجارت خارجی و استقراض‌های اولیه، سرمایه خارجی (عمدتاً بریتانیایی) ابتدا در سرمایه‌گذاری صادرات‌محور در بخش اولیه مشارکت می‌کرد. در دهه اول قرن بیستم، بریتانیا از طریق امتیاز نفتی، ۵۱ درصد سهم شرکت نفت ایران و انگلیس را به دست آورد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای دهه‌ها به نفت و شکل سرمایه‌گذاری صادرات‌محور در بخش اولیه محدود ماند.

در ایران، سرمایه‌گذاری مستقیم در تولید و دیگر بخش‌های غیرنفتی اقتصاد تا اواخر دهه ۱۳۳۰/۱۹۵۰ رخ نداد؛ یعنی زمانی که پس از کودتای مورد حمایت سیا علیه دولت ملی‌گرای مصدق^{۱۰}، رژیم شاه تثبیت شد.^{۱۱} سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران پیش از افول در اواخر دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰، مراحل رشد متفاوتی را سپری کرد. در مرحله اول - اواخر دهه ۱۳۳۰/۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰/۱۹۶۰ - با وجود همه تلاش‌های رژیم شاه، سرمایه خارجی هنوز در اقدام برای محصولات غیرنفتی تردید می‌کرد و در اواخر دهه ۱۳۳۰/۱۹۵۰، فقط شش مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های غیرنفتی جذب شد.^{۱۲}

تا اواسط دهه ۱۹۶۰/۱۳۴۰، پس از این که امریکا شاه را وادار کرد تا برنامه اصلاحات اجتماعی را اجرا کند و شاه دست به کار سیاست نیرومند صنعتی سازی سریع شد، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به سرعت رشد کرد. سیاست رژیم در این مقطع، پیشنهاد هر گونه شرایط مطلوب به سرمایه گذاران خارجی بود. سرمایه گذاران خارجی می توانستند به هر شاخه ای از تولید در هر بخش ایران وارد شوند و از جمله از معافیت دائم مالیاتی ۵۰ درصدی بهره مند شوند.^{۱۳}

در دهه ۱۹۷۰/۱۳۵۰ — بویژه پس از رونق نفتی سال ۱۳۵۲ — سرمایه گذاری خارجی با نرخ بیشتری رشد کرد. با افزایش تعداد سرمایه گذاران خارجی و قدرت اقتصادی روبه رشد کشور، رژیم شاه تصور می کرد در موقعیت چانه زنی بهتری قرار دارد و محدودیت های جدیدی را برقرار کرد و حتی برخی از مشوق های داده شده به سرمایه گذاران خارجی را قطع کرد. برای نمونه، رژیم، معافیت دائم مالیاتی ۵۰ درصدی را به ۲۵ درصد کاهش داد. علاوه بر این، مالکیت خارجی بر صنایع ایرانی را به صورت بخشی، محدود کرد یعنی حداکثر ۳۵ درصد سهم عادی^{۱۴} در صنایع «با فن آوری بالا»، ۲۵ درصد در تولید به طور کل و ۱۰ درصد در بخش صنعتی سنتی.^{۱۵} این اقدامات به همراه طرح «قانون مشارکت در سهام» و مقررات سخت گیرانه کنترل قیمت ها در سال ۱۳۵۴ تأثیری فوری بر رشد سرمایه گذاری خارجی داشت.^{۱۶}

گزارش اطلاعات کسب و کارها از جمله گزارش مؤثر بیزینس اینترنشنال^{۱۷} با نام عملکرد در ایران^{۱۸}، انعکاس روشن دغدغه های سرمایه گذاران خارجی بود. قانون مشارکت در سهام نه فقط بر تصمیمات سرمایه گذاران خارجی تأثیر گذاشت بلکه بورژوازی صنعتی ایران را نگران کرد. به گزارش بیزینس اینترنشنال، در نتیجه این قانون «مشکل بیشتر سرمایه گذاران خارجی آینده نگر، یافتن شریک ایرانی {بود}»^{۱۹} بسیاری از این شرکا، در واکنش به سیاست توزیع سهام، از بسیاری از سرمایه گذاری های بزرگ جدید دست کشیده بودند و «در عوض، ترجیح می دادند در خارج از کشور یا... در ملک و ساخت و ساز سرمایه گذاری کنند»^{۲۰} هر

چند رژیم، جنبش کارگری در حال رشد را سرکوب و مورد آزار و اذیت قرار می‌داد، عاملی دیگر بود که بر تصمیم شرکت‌های چند ملیتی برای سرمایه‌گذاری در ایران تأثیر می‌گذاشت.^{۲۱}

اما با وجود این عوامل، سرمایه‌گذاری خارجی کاملاً رشد کرد. در ۱۳۵۵/۱۹۷۶ (سال آخرین سرشماری صنعتی پیش از انقلاب)، در مجموع ۱۹۷ سرمایه‌گذاری از ۲۱ کشور صنعتی در ایران انجام شد. چون برخی موارد از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک، در بیشتر از یک شرکت چند ملیتی مشارکت می‌کردند، تعداد واقعی شرکت‌های چند ملیتی که در ایران سرمایه‌گذاری کردند در مجموع ۲۵۵ مورد بود. تعداد سرمایه‌گذاری‌ها هر سال، بویژه پس از رونق نفتی سال ۱۳۵۲ افزایش می‌یافت. از سال ۱۳۵۲، به‌طور متوسط بیست سرمایه‌گذاری جدید در سال انجام می‌شد (ن.ک جدول ۱).^{۲۲} در دوره پس از سال ۱۳۵۵ هم هنوز چند پروژه سرمایه‌گذاری مشترک عمده جدید در دست انجام بود. مطابق فهرست سرمایه‌گذاران خارجی در ایران در سال ۱۳۵۷، تعداد کل موارد اف.دی.آی از رقم ۲۲۰ عبور کرده بود.

از نظر گردش سرمایه، از آنجایی که ایران منبع عظیم مالی خود را به شکل درآمدهای نفتی بود، سرمایه‌گذار خارجی در مقایسه با بسیاری از دیگر کشورهای جهان سوم، حداقلی بود. در کل دوره بین سال‌های ۱۳۳۶/۱۹۵۷ و ۱۳۵۷/۱۹۷۹، کل گردش سرمایه خارجی از منابع مختلف مبلغ ۴۵ هزار و ۴۰۵ میلیون ریال یا اندکی بیشتر از ششصد میلیون دلار آمریکا بود (ن.ک جدول ۲).^{۲۳}

مجموع ورود جریان اف.دی.آی به ایران در ۲۲ سال سرمایه‌گذاری خارجی، کمتر از مقدار سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی در مکزیک در سال ۱۹۷۹ به‌تنهایی بود یعنی یک‌چهارم مبلغ سرمایه‌گذاری شده در برزیل در همین سال بود.^{۲۴} سرمایه خارجی درصد کوچکی از کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بود. وقتی مبلغ تشکیل سرمایه داخلی افزایش یافت، این درصد روندی کاهشی پیدا کرد. با این‌که در ۱۳۴۸/۱۹۶۹،

اف.دی.آی بیش از ۱۰ درصد سرمایه ثابت تولید را تشکیل می‌داد، در ۱۳۵۴/۱۹۷۵ این میزان فقط ۱.۹ درصد بود.^{۲۵}

اما این درصد پایین جریان سرمایه نباید به دلیل بی‌اهمیت بودن عامل اف.دی.آی در فرایند صنعتی شدن ایران باشد. نه فقط سهم‌های عادی و خود مبلغ سرمایه‌گذاری شده بلکه پیامدهای سیاست‌های شرکتی شرکت چند ملیتی برای رشد مهم‌ترین صنایع در ایران باید بر آن تأکید شود. همان‌طور که در ادامه بحث خواهد شد، با وجود این که شرکت‌های چند ملیتی در تقریباً ۹۰ درصد موارد سهام‌دار اقلیت بودند، از طریق سازوکارهایی غیر از سهام‌داری، به‌نحوی مؤثر فرایندهای تولید را در تقریباً همه صنایع مدرن بزرگ در ایران کنترل می‌کردند.^{۲۶}

هر چند سرمایه خارجی در همه بخش‌های اقتصاد سرمایه‌گذاری بود، و اغلب به سمت تولید هدایت می‌شد (ن.ک جدول ۳). از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۵، از ۱۹۷ مورد سرمایه خارجی، ۱۷۳ یا ۸۷.۸ درصد در بخش تولید بود، در حالی که سهم سرمایه خارجی در کشاورزی ۵.۱، معدن ۴.۶ و خدمات فقط ۲.۵ درصد بود. در بخش تولید، سرمایه‌گذاری خارجی در همه شاخه‌ها صورت گرفت؛ چنانچه خواهد آمد، توزیع آن در میان بخش‌ها، متفاوت بود.

ایران به‌خاطر بازار داخلی به‌نسبت بزرگ و روبه‌رشدش، اغلب هدف سرمایه‌گذاری در تولید برای بازار داخلی بود. تقریباً همه سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در تولید در همین جهت بود. مصادیقی از سرمایه‌گذاری صادرات‌محور در تولید و سرمایه‌گذاری صادرات‌محور بخش اولیه (غیرنفتی) وجود داشت؛ اما این موارد استثنا بود و وقتی بازار داخلی رشد کرد، حتی این موارد جهت‌شان به سمت بازار داخلی تغییر کرد.^{۲۷}

جدول ۱: تعداد کل سرمایه‌گذاران بر اساس کشور مبدأ و سال سرمایه‌گذاری (۱۹۵۷-۱۹۷۶/۱۳۳۶-)

(۱۳۵۵)

درصد	کل	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۷۰	۱۹۶۹	۱۹۶۸	۱۹۶۷	۱۹۶۶	۱۹۶۵	۱۹۶۴	۱۹۶۳	۱۹۶۲	۱۹۶۱	۱۹۶۰	۱۹۵۹	۱۹۵۸	۱۹۵۷
۲۲.۸	۴۵	۴	۴	۴	۵	۱	۰	۴	۵	۰	۳	۵	۱	۳	۱	۱	۱	۰	۲	۰	۱
۷.۱۳	۲۷	۴	۵	۴	۲	۱	۰	۴	۲	۰	۱	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰
۱۳.۷	۲۷	۳	۳	۲	۱	۱	۱	۴	۱	۱	۴	۲	۲	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰
۱۰.۲	۲۰	۱	۰	۲	۵	۲	۲	۳	۲	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹.۱	۱۸	۵	۳	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
۵.۱	۱۰	۰	۱	۱	۰	۳	۱	۰	۰	۰	۲	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳.۱	۶	۰	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲.۵	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰
۲.۵	۵	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۱	۰	۰	۰
۲.۱	۴	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱.۵	۳	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰
۸.۶	۱۷	۴	۱	۲	۱	۲	۲	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰
۵.۱	۱۰	۲	۱	۰	۲	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۰۰.۰	۱۹۷	۲۳	۲۱	۱۹	۱۸	۱۲	۹	۱۸	۱۴	۴	۱۴	۱۱	۷	۶	۴	۴	۳	۴	۳	۱	۲

منبع: محاسبه بر اساس سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی، «فهرست سرمایه‌گذاران خارجی در ایران تا مرداد

۱۳۵۵» (وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران، ۱۳۵۶).

آ. اتریش، استرالیا، برمودا، کانادا، یونان، هند، لوکزامبورگ، کنیا، پاناما و اسپانیا هر کدام یک سرمایه‌گذاری دارند.

بخش زیادی از صنایعی که از طریق اف.دی.آی تأسیس شدند، کالاهای مصرفی را تولید می‌کردند. در نبود

یک طبقه‌بندی دقیق و با ملاحظه این‌که طبقه‌بندی آیسیک^{۲۸} در جدول ۳ کالاهای تولیدی و مصرفی را از

هم تفکیک نمی‌کند، صنایع ایرانی را که در پیوند با اف.دی.آی تأسیس شدند می‌توان به‌صورتی که در

جدول ۴ آمده طبقه‌بندی کرد.

جدول ۲- جریان سرمایه خارجی در سال (۱۹۵۷ تا ۱۳۳۶/۱۹۷۹ تا ۱۳۵۷) (میلیون ریال)

سال	مبلغ	سال	مبلغ
۱۹۵۷	۹۱	۱۹۶۹	۳۲۶۴
۱۹۵۸	۷۲	۱۹۷۰	۲۳۱۸
۱۹۵۹	۲۳۸	۱۹۷۱	۱۴۷۲
۱۹۶۰	۱۴۹	۱۹۷۲	۱۳۳۶
۱۹۶۱	۱۹۸	۱۹۷۳	۴۰۴۴
۱۹۶۲	۴۵۹	۱۹۷۴	۴۵۰۰
۱۹۶۳	۲۵۷	۱۹۷۵	۳۹۷۶
۱۹۶۴	۲۸۰	۱۹۷۶	۶۵۳۷
۱۹۶۵	۸۰۸	۱۹۷۷	۶۳۴۸
۱۹۶۶	۹۵۸	۱۹۷۸	۶۳۷۳
۱۹۶۷	۶۶۸	۱۹۷۹	۴۳۲
۱۹۶۸	۱۵۸۳		

منابع: داده‌های سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۹ بر اساس *Iran Almanac (Tehran: Echo of Iran, ۱۹۶۹), p. ۲۹۸* است؛ داده‌های سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ از بانک مرکزی ایران (۱۳۴۹)، گزارش سالانه، تهران، بانک مرکزی ایران، ص ۱۶۴ است؛ داده‌های سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ از بانک مرکزی ایران (۱۳۵۵)، گزارش سالانه، تهران، بانک مرکزی ایران، ص ۸۹ است؛ داده‌های سال ۱۹۷۶ از وزارت امور اقتصادی و دارایی به نقل از منبع زیر است:

Business International, Operating in Iran (Geneva: Business International, ۱۹۷۸), p. ۱۰۰

و داده‌های سال ۱۹۷۶^{۲۹} تا ۱۹۷۹ از بانک مرکزی ایران، *مرور توسعه اقتصادی پس از انقلاب*، تهران، بانک مرکزی ایران (۱۳۶۲)، ص ۱۸۰ گرفته شده است.

یادداشت: مطابق نرخ برابری ارز رسمی در سال ۱۳۵۶/۱۹۷۷، هر ۷۰ ریال تقریباً معادل ۱ دلار آمریکا بود. در بیشتر دهه ۱۳۴۰/۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰، این نرخ حول ۷۵.۵ ریال و در سال‌های ۱۹۷۳، ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ پیرامون ۶۸ ریال نوسان داشت.

مطابق این طبقه‌بندی، شرکت‌های تولیدکننده کالاهای بی‌دوام و بادوام سبک حدود ۴۰ درصد صنایع تأسیسی از سوی اف.دی.آی‌ها و صنایع خودروسازی، عمدتاً ماشین‌های مسافری، ۱۱.۵ درصد این شرکت‌ها را تشکیل می‌دادند.

گرایش اولیه اف.دی.آی نسبت به تولید کالاهای مصرفی در تمام این دوره ادامه یافت. اما در اواخر دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع تولیدکننده کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای گسترش یافت. این نکته بویژه در مورد صنایع پتروشیمی، فلزی و الکتریکی صدق می‌کرد (ن.ک جدول ۵).

جدول ۳ - سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در بخش‌ها و شاخه‌های اقتصادی به ازای سال (۱۳۳۶ تا ۱۳۵۵)

بخش/شاخه	۱۹۵۷	۱۹۵۸	۱۹۵۹	۱۹۶۰	۱۹۶۱	۱۹۶۲	۱۹۶۳	۱۹۶۴	۱۹۶۵	۱۹۶۶	۱۹۶۷	۱۹۶۸	۱۹۶۹	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	کل	درصد
کشاورزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۲	۲	۲	۱	۱	۰	۰	۱	۱۰	۵.۱
معادن	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۲	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۹	۴.۶
تولید	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۲	۰	۰	۲	۳	۱	۱	۲	۱۵	
۳۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰		
۳۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۵	
۳۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	
۳۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۴	
۳۵	۱	۱	۰	۲	۱	۲	۱	۶	۳	۵	۳	۰	۲	۴	۱	۰	۸	۶	۲	۳	۵۱	
۳۶	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۲	۰	۱	۲	۰	۳	۴	۱۶	
۳۷	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۲	۳	۱۲	
۳۸	۰	۰	۱	۲	۱	۰	۱	۱	۲	۳	۴	۴	۶	۷	۳	۶	۳	۸	۱۰	۷	۶۹	
کل تولید	۲	۱	۲	۴	۲	۴	۲	۸	۷	۸	۱۰	۵	۱۰	۱۵	۵	۱۱	۱۷	۱۹	۲۰	۲۱	۱۷۳	۸۷.۸
خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۵	۲.۵

منبع: محاسبه بر اساس سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی، «فهرست سرمایه‌گذاران خارجی در ایران».

آ) بخش تولید بر اساس آیسیک طبقه‌بندی شد: ۳۱: مواد غذایی؛ ۳۲: نساجی؛ ۳۳: چوب؛ ۳۴: کاغذ؛ ۳۵: مواد شیمیایی؛ ۳۶: مواد معدنی غیرفلزی؛ ۳۷: فلزات پایه‌ای؛ ۳۸: فلزات ساخته‌شده.

جدول ۴ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تولید با ترکیب تولید (۱۳۳۶ تا ۱۳۵۵)

طبقه	تعداد	درصد
کالاهای مصرفی بی‌دوام و مصرفی با دوام سبک	۶۹	۳۹.۶
غذا و نوشیدنی‌ها کارخانجات شکر، لبنیات، آب معدنی، نوشیدنی‌های الکلی، فرآوری مواد غذایی	۱۵	۸.۶

۲۳	۴	نساجی، پوشاک، چرم، کفش
۱۷	۳	صنایع چوبی، دستمال کاغذی، لوازم التحریر
۱۱	۲	ظروف چینی
۱۲۱	۲۱	داروها، مواد دارویی، لوازم آرایشی، شوینده‌ها، آفت‌کش‌ها
۶۹	۱۲	رادیو، تلویزیون، لوازم خانگی مونتاژ رادیو و تلویزیون، پنکه برقی، سماور، بخاری، یخچال، لامپ، جاروبرقی و غیره.
۶۹	۱۲	متفرقه ریش تراش، کبریت، فلاسک، دستکش‌های خانگی و غیره.
۲۴۲	۴۲	تولید کالاهای واسطه‌ای
۱۲۷	۲۲	شیمیایی و پتروشیمی کربن سیاه، پولی استر، فایبرگلاس، شیشه، نخ نایلونی، سدیم سیلیکات، رنگ و غیره.
۶۹	۱۲	فلزات پایه‌ای و غیر آهنی آهن اسفنجی، چدن، شمش آلومینیوم، ورقه فلزی پروفیل، مس و آلیاژهای مس
۴۶	۸	مصالح ساختمانی
۳۵۶	۶۲	صنایع مولد کالاهای سرمایه‌ای و صنایع خودروسازی
۲۸	۵	تجهیزات کشاورزی قطعات تراکتور، دیسک صفحه، تیلر و غیره
۱۲۱	۲۱	ماشین‌آلات، تجهیزات صنعتی، ابزارها کمپرسور، تجهیزات جوشکاری، پیستون، پمپ، جرثقیل، واش، شیر فلکه، بلبرینگ
۷۵	۱۳	تجهیزات و قطعات الکتریکی و الکترونیکی کابل‌های فشار قوی، تلفن مرکزی، کلیدهای برق، پایانه‌های کامپیوتر، موتورهای دیزلی و غیره
۱۱۵	۲۰	قطعات و اجزای خودرویی و مرتبط
۱۷	۳	صنایع نظامی قطعات هواپیما، هلیکوپتر و قایق
۱۰۰۰	۱۷۳	کل

منبع: محاسبه بر اساس سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی، «فهرست سرمایه‌گذاران خارجی در ایران».

این گسترش اف.دی.آی در صنایع کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، برخی از تغییرات عمده در ساختار

صنعتی کشور را نشان می‌دهد. در ۱۳۴۶/۱۹۶۷، ۶۲.۸ درصد کل ارزش افزوده تولید مربوط به کالاهای

مصرفی بی‌دوام، ۲۵.۶ درصد به کالاهای واسطه‌ای و فقط ۱۰.۳ درصد مربوط به کالاهای مصرفی بادوام و

سرمایه‌ای بود. در ۱۳۵۵/۱۹۷۶، سهم ارزش افزوده کالاهای مصرفی بی‌دوام به ۴۴.۵ درصد ارزش افزوده

تولید کاهش یافت، در حالی که سهم هر دوی کالاهای واسطه‌ای و مصرفی بادوام و کالاهای سرمایه‌ای به ترتیب به ۲۹.۳ و ۲۶.۰ درصد افزایش یافته بود.^{۳۱} اما با وجود این تغییرات، صنایع تولیدکننده کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در ایران از طریق اف.دی.آی دو ویژگی بارز داشتند که ضعف‌های این بخش در ایجاد پیوند بین صنایع و ادغام افقی در بخش تولید ایران را توضیح می‌دهد. نخست این که بیشتر این صنایع به تولید اقلام کمتر پیچیده‌ای مانند تجهیزات جوشکاری، پیستون‌ها، شیرها، واشرها و یاتاقان‌ها محدود بود؛ و دوم این که برای این کالاها و کالاهای پیچیده‌تری مانند کمپرسورها و موتورهای دیزلی، ظرفیت داخلی خیلی محدود بود. بیشتر این صنایع، از جمله آن‌هایی که کالاهای مصرفی تولید می‌کنند، کارخانه‌های سرمایه‌بری بودند که صرفاً تحت مجوز، تجهیزات و مواد سی.کی.دی (قطعه‌های کاملاً منفصل^{۳۲}) را مونتاژ می‌کردند.^{۳۳} گرچه این امر تا حدی اجتناب‌ناپذیر بود، با توجه به وضعیت ایران به‌عنوان کشوری که دیر وارد این عرصه شده بود، این امر همچنین نتیجه محدودیت‌ها در قراردادهای مجوز منعقدشده با شرکت‌های چندملیتی و تلاش‌های ناکافی و یا دیر هنگام دولت برای انجام اقدامات اصلاحی بود.

قراردادهای مجوز خارجی

قراردادهای پیمان‌کاری و اخذ مجوز یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مشارکت شرکت‌های چند ملیتی در کشورهای جهان سوم است. این قراردادها معمولاً فروش فن‌آوری و دانش تولید دارای حق امتیاز، مجوز قطعات تولید، مونتاژ اجزای کاملاً منفصل پیش‌ساخته یا ترکیب فرمول‌های شیمیایی، استفاده از نشان تجاری، و قراردادهای حمایت فنی و مهندسی و قراردادهای مدیریت و بازاریابی را پوشش می‌دهند.

جدول ۵ - جریان سرمایه خصوصی خارجی از طریق سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و

فنی بر اساس نوع فعالیت اقتصادی (میلیون ریال)

۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۷۰	۱۹۶۹	۱۹۶۸	۱۹۶۷	۱۹۶۶	۱۹۶۵	۱۹۶۴	۱۹۶۳	شاخه تولید
۸۶	۱۰	۹	۱۴۴	۱۱۹	۲۴	۳۶	۳۲	۱۹	۷	۲	۵۰	۰	۳	مواد غذایی
۲۴۴	۶۵۴	۱۲۰۹	۲۳۳	۱۱۸	۱۵۵	۳۳۱	۱۱۸	۵۰۲	۷۰	۲۵۶	۳۷۶	۵۲	۰	لاستیک
۱۷۲	۲۵۳	۱۴۰	۷۹	۱۱۴	۳۵۱	۲۴۸	۲۷۴	۲۲۳	۲۰۴	۲۰۳	۱۲۶	۶۴	۸۷	مواد دارویی و شیمیایی
۲۳۰۹	۹۱۱	۱۳۳۶	۱۱۲۱	۰	۶۴	۰	۲۰۹۷	۳۷	۵۲	۶۷	۰	۰	۰	پتروشیمی‌ها
۱۷۳۳	۲۷۳	۴۲۲	۱۱	۱۷۱	۱۱۸	۲۶۳	۲۸۳	۱۲۸	۶۶	۹۵	۲۸	۱۸	۱۵	فلزکاری
۴۸۱	۲۵۱	۵۱۱	۱۹۴	۱۹۵	۲۷۶	۲۴۴	۱۷۶	۱۵۳	۲۰	۷۸	۳۴	۶۳	۳۲	برقی و الکترونیکی
۱۱۱	۶۷۵	۲۲	۱۰۲۷	۹۹	۷۶	۲۴۵	۷۷	۸۶	۳۵	۱۷	۱۹	۵	۱۹	صنعت خودرو
۰	۱۶۹	۲۰۱	۶۴	۲۳	۷۴	۷۷	۶۴	۳۸	۴۷	۰	۲۹	۴۰	۳۷	مصالح ساختمانی

منبع: برگرفته از بانک مرکزی ایران، گزارش سالانه (تهران، بانک مرکزی ایران، ۱۳۴۹، ۱۳۵۵)

اگرچه شرکت‌های چند ملیتی ترجیح می‌دهند ترکیبی از صادرات، اف.دی.آی و قراردادهای مجوز خارجی (در عمل در بسیاری از موارد قراردادهای مجوز خارجی با اف.دی.آی ترکیب می‌شود) را داشته باشند، این شرکت‌ها تحت شرایط خاصی توافق می‌کنند که بدون مشارکت در سرمایه‌گذاری وارد قراردادهای مجوز شوند. در برخی موارد حتی اگر شرکت‌های چند ملیتی به مشارکت در سرمایه‌گذاری دست یابند، آن‌ها این کار را با افزایش سرمایه از طریق دادن حق امتیاز، فن‌آوری، تجهیزات و خدمات تدارک‌دیده‌شده برای مجوزگیران انجام می‌دهند. حتی نمونه‌هایی وجود دارد که در آن‌ها شرکت‌های چند ملیتی مجوزهای معاف از حق امتیاز^{۳۴} را به شرکتی مستقل^{۳۵} می‌دهند.^{۳۶} این‌ها مواردی هستند که شرکتی به‌طور خاص علاقه‌مند به ورود به بازاری پرسود یا دسترسی به منابع چشمگیر مواد خام یا کار است. در سال‌های اخیر، شرکت‌های

چند ملیتی وقتی از سرمایه‌گذاری خود اطمینان ندارند و مایل‌اند بازار کشور خاصی را بسنجند، به استفاده از قراردادهای مجوز خارجی بدون اف.دی.آی نیز تمایل دارند.

با این‌که رژیم شاه و سرمایه‌ خارجی هر دو به‌طور کلی از مجوزدهی به همراه سرمایه‌گذاری مستقیم حمایت می‌کردند (رژیم شاه چون تعهد بیشتری از مجوزدهنده می‌گرفت و سرمایه‌ خارجی چون کنترل بیشتری بر شرکت‌های داخلی به‌دست می‌آورد و از سهام شرکت درآمد اضافی کسب می‌کرد)، بعضی از مجوزدهندگان شرکت‌های چند ملیتی ترجیح می‌دادند به‌تنهایی مجوز صادر کنند. بسیاری از شرکت‌های چند ملیتی توافق‌نامه‌های مجوز را «ابزار آزمایش شرایط تولید در ایران و آشنایی بیشتر با شرکای سرمایه‌گذاری احتمالی» تلقی می‌کردند.^{۳۷} علاوه بر این، با توجه به محدودیت‌های بیشتر بر سرمایه‌گذاری خارجی (که پیش‌تر بحث شد)، تعداد فزاینده‌ای از شرکت‌های چند ملیتی، بویژه در تولید کالاهای مصرفی بادوام، از مجوزدهی صرف حمایت کردند. برای نمونه، از ۱۲ قرارداد اصلی تولید خودرو فقط در ۴ قرارداد، شرکت‌های چند ملیتی از سهام عادی در شرکت‌های ایرانی برخوردار بودند.^{۳۸}

اکثریت قراردادهای مجوز با شرکت‌های خصوصی ایران بسته می‌شد، هر چند قراردادهای مجوز بزرگ و مهم با شرکت‌های دولتی، بویژه با سازمان گسترش و نوسازی صنایع منعقد می‌شد. ارزیابی قراردادهای مجوز در ایران به‌خوبی نشان می‌دهد این قراردادها دقیقاً برای حفظ وابستگی مستمر مجوزهای ایران به شرکت‌های چندملیتی تأمین‌کننده و نگه‌داشت ظرفیت داخلی در سطحی پایین طراحی می‌شدند. هر چه سطح ظرفیت‌های داخلی پایین باشد، «فهرست تجهیزات» قطعه‌شده بزرگ‌تر می‌شود و سود آن برای شرکت چند ملیتی تأمین‌کننده بیشتر خواهد بود.

در بررسی ۱۰۸ قرارداد مجوز بزرگ شرکت چند ملیتی که من با همکاری گروهی از پژوهشگران ایرانی در ۱۳۵۹ انجام دادم، چهار مقوله متفاوت که ۲۷ الزام را در برمی‌گرفتند، شناسایی شد (ن.ک جدول ۶).^{۳۹}

شرکت چند ملیتی تأمین‌کننده از طریق قرارداد مجوز به شرکت ایرانی گیرنده، «حق انحصاری» برای استفاده از فن‌آوری دارای ثبت اختراع به منظور تولید یا مونتاژ محصولی خاص در «قلمرویی» خاص برای دوره زمانی مشخصی را اعطا می‌کرد. حقی که تأمین‌کننده (مجوزدهنده) به گیرنده (گیرنده مجوز) اعطا می‌کرد تا از فن‌آوری اش استفاده کند، با این‌که به ایجاد صنعتی جدید در ایران کمک می‌کرد، نتیجه‌اش این بود که به تأمین‌کننده، حق انحصاری برای به انحصارکشاندن بازار داخلی ایران را می‌داد.

جدول ۶- مقوله‌های الزامات شناخته‌شده در توافق‌نامه‌های مجوز شرکت‌های چندملیتی با صنایع ایرانی

ممنوعیت‌ها	تعهدات	محدوده فعالیت	محدودیت‌ها
ممنوعیت تولید محصول مشابه استفاده از فن‌آوری رقیب واردات کالاهای مشابه پیگیری همکاری با سایر فروشندگان و خریداران محصول دارای مجوز استفاده از تأسیسات و تجهیزات محصول مجوزگرفته برای اهداف دیگر صادرات محصول مجوزگرفته	خرید قطعات، اجزا و مواد خام از منبعی که مجوزدهنده مشخص می‌کند استفاده متخصصان، مدیران و تکنسین‌های خارجی که مجوز دهنده مشخص می‌کند اجازه به مجوزدهنده برای کنترل و اعتبارسنجی مواد خریداری‌شده از طرف سوم دادن اجازه تعریف «استانداردها» به مجوزدهنده دادن اجازه کنترل کیفیت محصول نهایی به مجوزدهنده دادن اجازه اعتبارسنجی کیفیت قطعات تولیدشده در داخل به مجوزدهنده	بر سهم ارزش افزوده داخلی (سقف ثابت) بر حجم تولید داخلی (سطح کمینه و بیشینه) بر حجم فروش داخلی (کمینه و بیشینه)	بر قیمت‌گذاری بر بازاریابی بر انتقال حقوق مجوزدهی به مجوزگیرنده بر انتقال دانش کار و اطلاعات فنی از سوی مجوزگیرنده بر پیمان‌کاری فرعی بر انتصاب مدیران و متخصصان داخلی بر انتخاب کارکنان داخلی برای آموزش بر ادغام تغییرات، پیشرفت‌ها و نوآوری‌های تکنولوژیکی جدید بر استفاده از ثبت اختراع بر انتقال حقوق ثبت اختراع هر گونه نوآوری در محصول مجوزگرفته از سوی شرکت داخلی بر استفاده از نشان‌های تجاری بر پیوندادن قرارداد مجوز به قراردادهای دیگر

بخش عمده محدودیت‌ها، از آن جمله بود که مجوزگیرنده را از افزودن برخی راه‌های خاص به ظرفیت تولید داخلی خود باز می‌داشتند. مجوزگیرنده توافق می‌کرد که نباید طی دوره قرارداد، کل یا بخشی از

محصول را شبیه به محصول مجوز داده شده یا قابل مقایسه و رقابت با آن تولید کند؛ از فن آوری هیچ کدام از رقبا استفاده نکند؛ و با دیگر فروشندگان کالاهای مجوز داده شده همکاری نکند. در بیشتر قراردادهای مجوزدهی، همه قطعات محصول تمام شده تحت مقولات متفاوتی طبقه بندی می شدند و فقط تولید یک یا دو مقوله (معمولاً ساده ترین قطعات) مجاز و تولید مقولات دیگر (قطعات پایه ای) ممنوع بود (یعنی هیچ مجوزی داده نمی شد).

در برخی موارد، اگر شرکت داخلی می توانست قطعه بدون مجوزی را تولید کند و کیفیت آن از استانداردهای مجوز دهنده برخوردار بود، آن گاه این شرکت حق استفاده از این محصول مجوز گرفته را داشت. اما، در عمل شرکت داخلی به ندرت چنین دستاوردی داشت زیرا شرکت چند ملیتی مربوطه درباره کیفیت تصمیم می گرفت و از این رو، قدرت این را داشت که یک طرفه کالای تولید شده را رد کند. شرکت های چند ملیتی همچنین این حق را داشتند که هرگونه نوآوری یا بهبود ممکن در محصول مجوز گرفته شرکت داخلی را کنترل کنند. تقریباً در همه قراردادهای شرکت چند ملیتی آشکارا اعلام می شد که حق ثبت اختراع نوآوری ها در مالکیت شرکت چند ملیتی خواهد ماند یا این که مجوز استفاده از هرگونه نوآوری را باید به شرکت چند ملیتی داد.

محدودیت های دیگری که مانع رشد ظرفیت داخلی می شد به معرفی نوآوری ها مربوط بود. در بیشتر موارد، شرکت های چند ملیتی می پذیرفتند که مجوز گیرنده بتواند هرگونه نوآوری و پیشرفت در فن آوری تولید محصولی که مجوزش را گرفته، به مجوز خود اضافه کند که این کار گاهی «اجباری» و گاهی «اختیاری» بود. اگرچه این ممکن است یک امتیاز باشد، در عمل سازوکار دیگری برای محدود کردن نسبت ظرفیت داخلی بود. در برخی موارد، وقتی شرکت داخلی تخصص کافی برای تولید قطعه ای را به دست آورده بود، این قطعه ممکن بود برچسب منسوخ بخورد و بدون هشدار قبلی از خط تولید حذف شود. در واقع، درباره

مسئله «سوء استفاده از فن آوری»^{۴۰}، بیزینس اینترنشنال که به شرکت‌های چند ملیتی فعال در ایران مشورت می‌داد، آشکارا اعلام کرد که « در آینده از منافع شرکت‌های مجوزده خارجی در ایران به بهترین شکل محافظت خواهد شد مشروط به این که سرعت پیشرفت فن آوری آن‌ها در اندازه‌ای باشد که شرکت مجوزگیرنده ایرانی را برای تداوم بهبود طراحی و فن آوری تولید به خود وابسته نگه‌دارد.»^{۴۱} در بسیاری موارد، این به معنی هزینه‌های اضافی و غیرضروری مرتبط با اصلاحات در خط تولید بود.

موضوع محدودیت مهم دیگر مربوط به محدود کردن گزینه‌های خرید در دسترس برای مجوزگیرنده بود. مجوزگیرنده تعهد می‌داد نه فقط قطعات کالاها، بلکه مواد خام به کار رفته در محصول مجوزگرفته شده را نیز از شرکت چندملیتی خریداری کند. نتیجه این قیدوبند، محروم کردن شرکت داخلی از دسترسی به بازار عرضه بین‌المللی و از آن مهم‌تر، حق خرید از تولیدکنندگان داخلی (معمولاً سایر مجوزگیرندگان) این قطعات و مواد بود. با توجه به شیوه‌های قیمت‌گذاری انتقالی شرکت‌های چندملیتی و بویژه ملاحظه دامنه متنوع پرداخت‌ها به این شرکت‌ها (جدول ۷)، توضیح هزینه‌های بالای غیرضروری فن آوری وارداتی دشوار نیست.

جدول ۷- انواع پرداخت‌ها به تأمین‌کننده فن آوری

نوع هزینه‌ها	نوع
برای برنامه‌ها، طرح‌ها، مدل‌ها، فرمول‌ها برای ماشین آلات، تأسیسات خط تولید برای قطعات یدکی ماشین آلات تولید برای نگهداری	هزینه تأسیسات تولید
برای قطعات کاملاً منفصل برای مواد خام فرآوری شده، مواد واسطه‌ای برای قطعات یدکی برای محصول تمام شده	هزینه‌های قطعات محصول
برای هزینه یکجای اولیه مجوز	هزینه‌های ثبت اختراع، کارمزد و غیره

برای حق امتیاز (ثابت یا جاری) برای کارمزدهای کمک فنی (کارمزد جاری برای محصول نهایی و قطعات یدکی) برای حق الزحمه متخصصان خارجی برای هزینه‌های سیستم‌های مدیریتی برای هزینه‌های ستادی و هزینه‌های جاری ^{۴۲} مربوطه	
برای حمل و نقل و بیمه قطعات و مواد وارداتی	هزینه‌های حمل و نقل و بیمه
برای کمیسیون فروش و صادرات خارجی (در موارد صادرات)	هزینه‌های بازاریابی
برای سود سهام (در موارد سرمایه‌گذاری مستقیم)	سهام
برای بهره (در موارد مشارکت در وام)	وام‌ها

علاوه بر این محدودیت‌ها و محدودیت‌های دیگر که هدف مستقیم‌شان بازداشتن شرکت داخلی در نقش واردکننده فن‌آوری و مواد و محدود کردن توانایی آن در افزایش دامنه تولید داخلی است، شرکت‌های چند ملیتی در بیشتر موارد به انتقال تخصص و فن‌آوری مورد نیاز برای توسعه صنعتی مستقل، متعهد نبودند.^{۴۳}

در مجموع، قراردادهای شرکت چند ملیتی موارد زیر را به وضوح تعیین می‌کرد:

۱ - تولید داخلی شرکت‌های ایرانی به تولید مجموعه‌ای از قطعات کمتر پیچیده محصول تمام‌شده محدود می‌شد و به شدت به واردات مستمر قطعات و مواد کاملاً قطعه شده اصلی وابسته بود؛

۲ - تأمین‌کننده فن‌آوری (مجوزدهنده) خودش را به کمک فنی، آموزش و تحقیق و توسعه مورد نیاز برای افزایش سهم تولید داخلی و افزایش ظرفیت داخلی متعهد نمی‌دانست؛ و

۳ - برعکس، تأمین‌کننده فن‌آوری انواعی از محدودیت‌ها را تحمیل می‌کرد تا مانع از این شود که شرکت ایرانی قابلیت‌های فن‌آوری‌اش را افزایش دهد، مانع کاهش ارقام در فهرست مواد قطعه‌شده وارداتی شود و در نهایت، هزینه‌های فزاینده واردات را کم کند.

یک شرکت چند ملیتی برای دست‌یافتن به سیاست‌های شرکتی‌اش، نوع عملیات یا «ترکیب بهینه» عملیات‌های متفاوت را انتخاب می‌کند که بیش از همه برای فعالیت‌های جهانی‌اش مناسب است. هر یک از کارهای بزرگی که شرکت چند ملیتی انجام می‌دهد از صادرات، اف.دی.آی، قراردادهای مجوز خارجی گرفته تا ترکیبات متفاوت از هر کدام اف.دی.آی و قراردادهای مجوز خارجی که به آن اشاره کردیم، تأثیری متفاوت بر ساختار صنعتی کشور میزبان دارد.

بی‌آنکه تحلیل‌های معمول حاصل جمع‌صفر از اقدامات شرکت‌های چندملیتی در جهان سوم را بپذیریم - نظریه‌پردازان مدرن‌سازی در یک طرف و نظریه‌پردازان وابستگی در طرف دیگر - می‌توان بحث کرد که «ترکیب بهینه» برای شرکت چندملیتی لزوماً با نیازهای توسعه‌ای کشور میزبان سازگار نیست. به همین خاطر است که سیاست صنعتی کشور میزبان اهمیت زیادی پیدا می‌کند؛ سیاست صنعتی باید بر ترکیب بهینه شرکت‌های چندملیتی تأثیر بگذارد و اف.دی.آی و یا قراردادهای مجوز خارجی را به سمت‌وسوی اهداف توسعه کشور جهت‌دهی کند. این وضعیت بویژه در مراحل ابتدایی توسعه صنعتی یعنی زمانی که هنوز بنیان صنعتی استواری ایجاد نشده، مصداق دارد. دو نمونه از موفق‌ترین موارد هدایت فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی خارجی به سمت‌وسوی اهداف ملی، ژاپن و کره جنوبی هستند. هر دو کشور در مراحل اولیه، فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی را محدود کردند سپس طی مراحل متفاوت، در سیاست‌هایشان نسبت به سرمایه خارجی درجاتی از آزادسازی را اعمال کردند.^{۴۴}

در دهه ۱۹۶۰، دولت ژاپن «قاطعانه سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت‌های چندملیتی را کنترل کرد؛ اما... از قراردادهای مجوزی که متضمن فن‌آوری مورد تقاضا و دانش عملی بود، استقبال کرد... و نظارت غربالگرانه فعالی را بر قراردادهای مجوز حفظ کرد.»^{۴۵} دستورالعمل‌های کمیسیون تجارت عادلانه ژاپن^{۴۶} هرگونه

توافق‌نامه مجوز خارجی را رد می‌کرد که متضمن محدودیت‌هایی «بی‌جهت» بر مجوزگیرنده ژاپنی بود.

مقررات مشمول بررسی ویژه شامل این موارد بود:

«مقرراتی که «به‌نحوی ناعادلانه» حوزه‌ای جغرافیایی را که مجوزگیرنده می‌توانست محصولات ساخته‌شده تحت مجوز را صادر کند، محدود می‌کرد؛ مقرراتی که قیمت‌گذاری یا حجم صادرات را محدود یا الزام می‌کردند که مجوزگیرنده از طریق مجوزدهنده یا هر کسی که او تعیین کرده محصول صادر کند؛ مقرراتی که حق مجوزگیرنده برای مدیریت محصولات رقابتی یا استفاده از فن‌آوری رقابتی را محدود می‌کردند؛... مقرراتی که مجوزگیرنده را وامی‌داشت تا مواد خام یا قطعات را از مجوزدهنده یا تولیدکننده خاص خریداری کند؛... باعث می‌شد که کیفیت مواد خام، قطعات یا محصول نهایی تولیدشده تحت مجوز محدود باشد.»^{۴۷}

مقایسه این نظارت‌های دولتی ژاپن بر قراردادهای مجوز شرکت‌های چندملیتی و محدودیت‌هایی که شرکت‌های چندملیتی بر صنایع ایران تحمیل کردند (جدول ۶) به‌طور مشخص گویای همه‌چیز است.

در کره جنوبی نیز دولت از آغاز صنعتی‌سازی نظام‌مند در دهه ۱۹۵۰، کنترل‌های سفت‌وسختی را بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی اعمال کرد. در کره جنوبی، «نه فقط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با فهرستی مثبت تنظیم می‌شد بلکه حتی با صلاح‌دید مقامات، بر سرمایه‌گذاری در صنایعی که در فهرست وجود داشتند همچنان سخت‌گیری اعمال می‌شد... همچنین دولت بارها حق خود را برای بررسی همه قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک به کار بست.»^{۴۸}

اگرچه رژیم شاه، بویژه در دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰، برخی محدودیت‌ها را بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی در ایران تحمیل کرد، این محدودیت‌ها عمدتاً به مشارکت در سرمایه‌گذاری مربوط بود. دولت برای کنترل محدودیت‌ها و محدودیت‌هایی که مجوزدهندگان خارجی بر مجوزگیران ایرانی تحمیل می‌کردند، کار

چندانی انجام نداد. این محدودیت‌ها ظرفیت داخلی ایران را در سطح خیلی پایینی نگه داشت و مانع از این شد که مجوزگیران ایرانی کالاهای تولیدی مجوزدارشان را صادر کنند و قطعات و موادشان را به‌طور مستقل خریداری کنند. همچنین رژیم برای جهت‌دهی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و قراردادهای مجوز خارجی به سمت ایجاد صنایع تولیدکننده کالاهای سرمایه‌ای اقدامی جدی نکرد. از آنجایی که شرکت‌های چندملیتی عمدتاً سهام‌دار اقلیت بودند، منبع درآمد آن‌ها در ایران فروش قطعات و مواد قطعه‌شده بود؛ از این‌رو، کاملاً به نفع شرکت‌های چند ملیتی بود که محدودیت‌هایی را بر افزایش ظرفیت داخلی اعمال کنند. علاوه بر این، چون سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی در تولید عمدتاً مبتنی بر تولید داخلی بود، به‌طور مشخص نگران کارایی و رقابت‌پذیری نبودند.

وابستگی دائمی به واردات

یک نتیجه آشکار ظرفیت داخلی پایین و قلمرو محدود صنایع ایرانی، اتکای شدید این صنایع به واردات بود. در سراسر دوره صنعتی‌سازی سریع، واردات به‌طور مستمر از ۵۶۰ میلیون دلار در ۱۳۴۲/۱۹۶۳ به ۱۸.۴ میلیارد دلار در ۱۳۵۷/۱۹۷۸ افزایش یافت^{۴۹} که بیشتر آن مربوط به بخش تولید بود. پیمایش مرکز آمار ایران از ۱۱۷۸ شرکت بزرگ منتخب که در سال ۱۳۵۹ انجام شد، سطح اتکا بر واردات مواد و قطعات را نشان داد.^{۵۰} صنایعی که بررسی شدند به‌طور متوسط ۵۶.۷ درصد مواد مورد نیازشان را وارد می‌کردند. در میان شاخه‌های مختلف صنعت، صنایع غذایی، نوشیدنی و تنباکو - که بیشترشان شرکت‌های سستی‌تر بودند - پایین‌ترین سطح مواد وارداتی یعنی ۲۹.۱ درصد را داشتند در حالی که صنایع فلزات، ماشین‌آلات و تجهیزات ساخته‌شده - که همگی از طریق اف.دی.آی و قراردادهای مجوز خارجی ایجاد شده بود - ۸۴/۸ درصد به مواد وارداتی وابسته بود. صنایع غذایی، نوشیدنی و تنباکو و نیز صنایع محصولات کاغذی، چاپ

و انتشار ۱۰۰ درصد ماشین‌آلات موردنیازشان را وارد می‌کردند. فقط ۱.۹ درصد ماشین‌آلات در نساجی، پوشاک و چرم در داخل تولید می‌شد.

پس از دو دهه صنعتی‌سازی سریع، بخش تولید به‌طور کلی در شرایطی قرار داشت که مواد، ماشین‌آلات و قطعات موردنیاز شرکت‌ها (۱) یا در داخل قابل‌تولید نبود؛ (۲) یا عرضه داخلی کافی نداشت؛ (۳) یا کیفیت بالای موردنیاز را نداشت؛ (۴) یا در نهایت، به دلیل بهره‌وری پایین، هزینه‌شان از مواد و قطعات وارداتی بیشتر بود. در همه شاخه‌های صنعت، فقدان منابع داخلی عرضه مواد، قطعات و ماشین‌آلات بیشترین درصد واردات را به خود اختصاص می‌داد (جدول ۸ را نگاه کنید). برای نمونه، ۶۰ درصد واردات مواد و ۶۸.۵ درصد واردات قطعات و ماشین‌آلات نتیجه نبود منابع عرضه داخلی بود.

نتیجه‌گیری

سنگ‌بنای اتکای خیلی زیاد ایران به واردات در بخش تولید فن‌آوری بود و رژیم شاه برای گسترش ظرفیت‌های تکنولوژیکی داخلی کار چندانی انجام نداد. هیچ‌گونه اقدام پایدار جدی برای بهبود زیرساخت‌های «نامرئی» و مؤسسات تحقیق و توسعه انجام نشد. از این مهم‌تر، به گسترش صنایع تولیدکننده کالاهای تولیدی که برای پیوندهای بین صنایع حیاتی است، توجه اندکی شد. برعکس، رژیم تقریباً به‌طور کامل به شرکت‌های چندملیتی فعال در ایران تکیه کرد. مشارکت فزاینده شرکت‌های چند ملیتی موجب انتقال فن‌آوری صنعتی شد؛ اما، در نتیجه سیاست‌های شرکتی آن‌ها و ویژگی‌های توافق‌نامه‌های مجوز شرکت‌های چند ملیتی، گستره و میزان انتقال تکنولوژیکی محدود شد.

فقدان تلاش‌های هماهنگ برای رشد بخش مولد کالاهای سرمایه‌ای، دقیقاً یکی از ضعف‌های اصلی سیاست صنعتی شاه بود. علاوه بر نمونه‌های کلاسیک صنعتی شدن در انگلستان و اروپای غربی، امریکا پس از جنگ داخلی و ژاپن در دوره میجی، تجربه‌های کشورهای تازه‌صنعتی شده همگی حکایت از اهمیت

حیاتی بخش مولد کالاهای سرمایه‌ای دارد. بارزترین مصداق معاصر، کره جنوبی است که به یمن بورژوازی صنعتی بومی قدرتمند و سیاست صنعتی دولتی قوی، فرایند صنعتی شدنش از ابتدا مبتنی بر تولید کالاهای سرمایه‌ای بود و نظارت‌های سفت‌وسختی را بر اقدامات شرکت‌های چند ملیتی اعمال کرد.

جدول ۸- علل واردات قطعات، اجزا و ماشین‌آلات تولیدی (درصد)

علل					
شاخه‌های صنعت	ا	ب	پ	ت	ث
۴۱: غذایی، نوشیدن	۶۱.۴	۳۱.۲	۱۶.۸	۳.۶	۵.۰
۳۲: نساجی، پوشاک	۶۰.۴	۱۳.۰	۱۶.۶	۵.۹	۴.۱
۳۳: چوب، محصولات چوبی	۷۰.۴	۱۸.۵	۷.۴	۳.۷	۰.۰
۳۴: کاغذ، محصولات کاغذی	۸۹.۷	۰.۰	۱۰.۳	۰.۰	۰.۰
۳۵: مواد شیمیایی	۶۷.۲	۱۰.۲	۱۲.۵	۲.۳	۷.۸
۳۶: مواد معدنی غیرفلزی	۵۷.۵	۱۷.۸	۲۰.۶	۳.۲	۰.۹
۳۷: فلزات پایه	۴۶.۹	۱۸.۷	۱۵.۶	۹.۴	۹.۴
۳۸: فلزات ساخته شده	۶۸.۵	۱۰.۷	۱۰.۲	۷.۶	۳.۰
۳۹: متفرقه	۶۶.۷	۰.۰	۳۳.۳	۰.۰	۰.۰
متوسط	۶۵.۴	۱۱.۳	۱۵.۹	۳.۹	۳.۳

منبع: اقتباس از مرکز آمار ایران، بررسی کمبودها و وابستگی‌های صنایع بزرگ کشور (تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۹)

آ. فقدان منبع عرضه داخلی. ب. کمبود عرضه داخلی. پ. کیفیت بهتر مواد وارداتی. ت. قیمت ارزان‌تر مواد وارداتی. ث. دلایل دیگر. ج. انواع آسبک.

نه این‌که مدل صنعتی شدن کره جنوبی مشکل جدی ندارد؛ بلکه فشار سنگین بر تولید کالاهای سرمایه‌ای برای افزایش ظرفیت‌های تولیدی داخلی یکی از پایه‌های اصلی رشد صنعتی پایدار کره جنوبی بوده است.

در ایران، این سیاست بخش اصلی راهبرد توسعه نبود، هر چند شرایط لازم به‌وضوح حاضر بود. در اواسط دهه ۱۳۵۰، نه فقط تقاضای داخلی برای کالاهای تولیدی رو به رشد بود، بلکه کشور از منابع مالی داخلی هنگفتی هم برخوردار بود و از این‌رو، با کمبود ارز خارجی مواجه نبود. از این نظر، ایران در موقعیت

بهتری از کره جنوبی قرار داشت. چون وقتی صنعتی شدن به مراحل بالاتر تولید کالاهای تولیدکننده حرکت می‌کند، فن‌آوری و الزامات سرمایه‌ای روند افزایشی دارد، نوعی شکاف ارز خارجی پدیدار می‌شود؛ کره جنوبی، مانند بیشتر کشورهای تازه‌صنعتی شده، باید با این تنگنای جدی مقابله می‌کرد.^{۵۱}

سیاست صنعتی شاه با تکیه بر شرکت‌هایی چندملیتی که هیچ‌گونه تعهدی به توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران نداشتند، نتوانست ظرفیت‌های تکنولوژیکی داخلی کشور را توسعه دهد. در نتیجه این سیاست‌ها، ایران نتوانست بنیانی محکم برای توسعه صنعتی برقرار کند. وقتی اولین نشانه‌های بحران اقتصادی سپس سیاسی در اواخر دهه ۱۳۵۰ آشکار شد، بخش تولید مدرن با توجه به اتکای شدید بر فن‌آوری و مواد وارداتی و یکپارچگی محدودش، به تدریج از هم پاشید.

پی‌نوشت‌ها:

۱ این متن ترجمه مقاله زیر است:

Rahnema, Saeed (۱۹۹۰), "Multinationals and Iranian Industry: ۱۹۵۷-۱۹۷۹", *The Journal of Developing Areas*, Vol. ۲۴, No. ۳, pp. ۲۹۳-۳۱۰.

۲ استادیار، مدرسه علوم اداری و گروه مطالعات سیاسی، دانشگاه کویین، کینگستون، کانادا؛ تحلیل‌گر ارشد سابق در مؤسسه مدیریت صنعتی و مسئول ارشد برنامه توسعه سازمان ملل متحد.

نسخه اولیه این مقاله در جلسه سالیانه انجمن اقتصاد خاورمیانه ارائه شد که به همراه اتحادیه انجمن‌های علوم اجتماعی در روزهای ۲۷ تا ۳۰ دسامبر ۱۹۸۸/۶ تا ۹ دی ۱۳۶۷ در نیویورک برگزار شد. مایلم از داوران ناشناس برای نظریات سودمندشان تشکر کنم.

۳ برای بحثی درباره بورژوازی ایران ن.ک

Ahmad Ashraf, "Historical Obstacles to the Development of a Bourgeoisie in Iran," in *Studies in the Economic History of the Middle East*, ed. M. A. Cook (London: Oxford University Press, ۱۹۷۰); Hashem Pesaran, "The System of Dependent Capitalism in Pre- and Post-Revolutionary Iran," *International Journal of Middle East Studies* ۴ (September ۱۹۸۲): ۵۰۱-۲۲; and Djavad Salehi-Isfahani, "The Political Economy of Credit Subsidy in Iran, ۱۹۷۳-۱۹۷۸," *International Journal of Middle East Studies* ۳ (August ۱۹۸۹): ۳۶۹-۷۱.

۴ foreign licensing agreements

۵ از اینجا به بعد به دلیل تکرار سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، از حالت خلاصه‌شده حروف اول انگلیسی یعنی اف.دی.آی استفاده می‌شود.م.

۶ long-wave cycles

ن.ک

Ralph Kaplinsky, "Trade in Technology-Who, What, Where, and When?" in *Technological Capabilities in the Third World*, ed. Martin Fransman and Kenneth King (London: MacMillan, ۱۹۸۴).

برای بحث درباره دلایل دیگر این که چرا شرکت‌های چند ملیتی به سمت اف.دی.آی حرکت می‌کنند ن.ک.

Alice Teichova, "Multinationals in Perspective," in *Multinational Enterprise in Historical Perspective*, ed. Alice Teichova, Maurice Levy-Leboyer, and Helga Nussbaum (Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۸۸), pp. ۳۶۵-۶۷.

۸ عنوان این گونه‌شناسی از منبع زیر اقتباس شده‌اند:

Lazlo Lang, "On the Location Determinants of Foreign Direct Investment in Developing Countries" (Paper presented at the second round table of RCCDC, Ljubljana, and Institute for World Economy, Budapest, Bled, ۲۱-۲۲ October ۱۹۸۵).

برای طبقه‌بندی دیگری از اف.دی.آی نیز اثر زیر را ببینید:

John H. Dunning, *International Production and Multinational Enterprises* (London: George Allen and Unwin, ۱۹۸۱), p. ۳۳۷.

دانیگ اف.دی.آی را به «مواد خام‌محور» و «بازار محلی‌محور» و «کار محور» طبقه‌بندی می‌کند.

۹ بخش اولیه اقتصاد شامل تمام صنایع استخراجی و تولیدی مواد خام است. این بخش شامل صنایعی مانند کشاورزی، چوب‌بری، شکار، ماهیگیری، جنگل‌داری و معدن‌کاری می‌شود. (م)

۱۰. کودتای ۲۸ مرداد با مشارکت دولت ایالات متحده و انگلستان طراحی و اجرا شد. (ویراستار)

۱۱ دولت ایران در سال ۱۳۳۴/۱۹۵۵، برای «جذب»، «ترویج» و «هدایت» سرمایه‌گذاری خارجی، مرکز جذب و ترویج سرمایه‌گذاری خارجی (بعدها به سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران تغییر نام پیدا کرد) را راه‌اندازی کرد. انواع زیادی از مشوق‌ها به همراه مقررات لازم وضع شد. نمونه‌های آن علاوه بر مقررات پیشین مانند «قانون ثبت علائم و اختراعات» (۱۳۱۰) و «قانون انحصار تجارت خارجی (۱۳۱۱)»، «قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی» (۱۳۳۴) و «قانون تشویق صادرات و تولید» (۱۳۳۴) است. برای جزئیات بیشتر درباره «قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی» (۱۳۳۴) منبع زیر را ببینید:

Vahid Nowshirvani and Robert Bildner, "Direct Foreign Investment in the Non-Oil Sector of the Iranian Economy," *Iranian Studies* ۶ (Spring-Summer ۱۹۷۳): ۶۶-۱۰۹.

۱۲ همه اطلاعات ارائه‌شده درباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران بین سال‌های ۱۳۳۶/۱۹۵۷ و ۱۳۵۵/۱۹۷۶ از اسناد داخلی سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران است و اگر غیر از این باشد منبع آن ذکر می‌شود: «فهرست سرمایه‌گذاران خارجی در ایران تا مرداد ۱۳۵۵» (وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران، ۱۳۵۶).

۱۳ در *Iran Almanac* این دوره آمده که «نبود مالیات بر تولید، مالیات بر فروش و عوارض غیرمستقیم مشابه که در کشورهای دیگر رایج است ... این امکان را به شرکت‌ها داده است تا با عمل تحت قوانین سرمایه‌گذاری خارجی، از صرفه‌جویی‌های زیاد در عملیات‌های داخلی بهره‌مند شوند. سود خالص سالیانه پس از مالیات در ایران عموماً به ۲۵ تا ۳۰ درصد سرمایه خارجی می‌رسد.» (*Iran Almanac* [Tehran: Echo of Iran, ۱۹۷۱], p. ۲۳۴)

equity share؛ سندی است که نشان می‌دهد سرمایه‌گذار، مالک درصد معینی از یک شرکت است و درصد معینی از سود شرکت و مزایای دیگری را که به سهام‌داران تعلق می‌گیرد، دریافت خواهد کرد. (م)

۱۵ دولت، در کنار اقدامات دیگر، مشوق‌های مالیاتی شرکت‌ها را مشروط به مکان کارخانه، قابلیت‌های صادراتی آن و دسترس‌پذیری برنامه‌های آموزش کارگران کرد. صنایعی که در مرزهای ایران برپا می‌شد، به مدت هشت تا ده سال از معافیت مالیاتی ۱۰۰ درصدی برخوردار می‌شدند. صنایع در دیگر مناطق در حال توسعه، معافیت مالیاتی ۱۰۰ درصدی برای پنج سال کسب می‌کردند. اگر شرکتی ۱۵ درصد از تولیدش را صادر می‌کرد، واجد شرایط معافیت مالیاتی ۱۰۰ درصدی می‌شد. صنایعی که در فاصله ۱۲۰ کیلومتری از تهران قرار داشت یا بنگاه‌هایی که کالاهای بی‌دوام معینی را تولید می‌کرد، واجد شرایط معافیت مالیاتی نبود. شرکت‌های با بیش از یکصد کارگر یا بیشتر، از معافیت موقت مالیاتی دوازده ساله برخوردار می‌شد و شرکت‌هایی که برنامه‌های آموزش کارکنان تأییدشده را برگزار می‌کرد، از ۲ درصد مالیات بر حقوق معاف بود. برای جزئیات بیشتر ن.ک.

Business International SA, *Operating in Iran* (Geneva: Business International, ۱۹۷۸), p. ۱۱۳.

۱۶ قانون مشارکت در سهام که خواستار توزیع ۴۹ درصد از سهام به کارکنان شرکت‌ها و مردم بود، اقدام رژیم برای افزایش «بهره‌وری» و کسب حمایت کارکنان مزدبگیر و مستمری‌بگیر بود.

۱۷ Business International

۱۸ *Operating in Iran*

۱۹ Business International, *Operating in Iran*, p. ۹۹.

۲۰ Financial Times, ۲۵ July ۱۹۷۷.

۲۱ دست‌کم در یک مورد، کاهش در سرعت کار و توقف آن از سوی کارگران در کارخانه بی. اف. گودریچ - یکی از قدیمی‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها در ایران - منجر به تعطیلی کارخانه شد و بر تصمیم نهایی بی. اف. گودریچ برای فروش ۴۶ درصد سهمش در سال ۱۳۵۵ تأثیر گذاشت.

Business International, *Operating in Iran*, p. ۹۹.

۲۲ باید یادآور شد این ارقام فقط به سرمایه‌گذاری‌های مربوط به تولید و واردی ارجاع می‌دهد که سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران آن‌ها را ثبت کرده؛ این موارد، مشارکت سرمایه‌ خارجی در بانکداری، بیمه، پردازش داده‌ها، مشاوره و غیره را پوشش نمی‌دهد.

۲۳ افزایش شدید از ۱۳۵۲/۱۹۷۳ تا ۱۳۵۷/۱۹۷۸ عمدتاً به پروژه‌های واحد یعنی مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن ربط داشت.

۲۴ برای جریان اف. دی. آی به کشورهای منتخب جهان سوم، از میان منابع مختلف منبع زیر را نگاه کنید:

Medhi Salehizadeh, "Multinational Companies and Developing Countries: A New Relationship," *Third World Quarterly* ۵ (January ۱۹۸۳): ۱۳۵.

۲۵ داده‌ها بر اساس منبع سازمان ملل محاسبه شده‌اند:

Yearbook of National Accounts Statistics ۱ (New York: United Nations, ۱۹۷۸), p. ۴۹۵.

۲۶ معدود شرکت‌هایی که شرکت‌های چند ملیتی مالکیت کامل یا بیشتر مالکیت آن‌ها را در اختیار داشتند عمدتاً تولیدکنندگان مواد شیمیایی، به‌ویژه دارویی بودند.

۲۷ به‌عنوان نمونه، در ۱۳۴۶/۱۹۶۷، شرکت رینولدز آمریکا سرمایه‌گذاری مشترک برای تأسیس کارخانه بزرگ آلومینیوم را در ایران به منظور تولید شمش آلومینیوم برای مصرف در ایران و پاکستان شروع کرد. توافق شده بود که در صورت دست‌نیافتن به بازارهای این دو کشور، شرکت‌های آمریکایی مقدار اضافی را به بازارهای خودشان بفروشند. این کارخانه سال‌ها به صورت شبکه‌ای مثلی مواد خام (پودر آلومینیوم) را از استرالیا وارد می‌کرد، آن را با برق و نیروی کار و حمل‌ونقل ارزان در ایران (اراک) فرآوری می‌کرد و تقریباً ۶۵ درصد از محصول تولیدی را به ژاپن صادر می‌کرد. اما، در دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰، وقتی بازار داخلی ایران برای محصولات آلومینیوم رشد کرد و توانست ظرفیت ۴۰۰۰۰ تنی را جذب کند، شرکت صادرات را متوقف کرد.

ISIC ۲۸: استاندارد جهانی طبقه‌بندی صنایع است که معادل انگلیسی آن International Standard Industrial Classification است. (م)

۲۹ چون منبع سال ۱۹۷۶ جداگانه آمده است ممکن است اشتباهی صورت گرفته باشد و اینجا منظور سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ باشد. (م)

۳۰ Robert Looney, *The Economic Development of Iran* (New York: Praeger, ۱۹۷۳), p. ۱۰۸.

۳۱ این داده‌ها بر اساس منبع زیر در جدول ارائه شده‌اند: مرکز آمار ایران (۱۳۵۶)، *داده‌های صنایع بزرگ*، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ص ۳.

۳۲ completely-knocked-down

۳۳ برای مسئله ظرفیت سرمایه‌های شرکت‌های مدرن بزرگ در ایران منبع زیر را ببینید:

Hamid Mohtadi, "Industrialization and Urban Inequality in LDCs: A Theoretical Analysis with Evidence from Prerevolutionary Iran," *Journal of Developing Areas* ۲۲ (October ۱۹۸۷): ۴۲-۴۴; Sohrab Behdad, "The Structural Limits to Accumulation: Crisis in the Iranian Economy, ۱۹۷۳-۷۸"

(مقاله‌ای که در جلسه سالیانه اتحادیه اقتصادهای رادیکال در ۲۷-۳۰ دسامبر ۱۹۸۶ در نیواورلئان لوئیزیانا ارائه شد).

۳۴ royalty-free licenses

۳۵ nonsubsidiary

۳۶ اعطای مجوزهای معاف از حق امتیاز به شرکت‌های زیرمجموعه دارای مالکیت کامل، بسیار معمول است.

۳۷ Business International, *Operating in Iran*, p. ۹۴.

برای نمونه شرکت «هربرت موریس بریتانیا تأمین جرتقیل‌های یونیورسال به شکل قطعه‌قطعه را برای مونتاژ در صنایع ساخت‌وساز آکام به‌عنوان گام اول به‌سوی سرمایه‌گذاری مشترک خارجی که مستلزم تولید قطعات معینی است، شروع کرده است.» (همان)

۳۸ جنرال موتورز ۳۹ درصد، رجیس نشنال ۲۵ درصد، ولوو ۲۵ درصد و لیلاند ۱۱ درصد.

۳۹ سعید رهنما، *توافق‌نامه‌های مجوز خارجی با صنایع ایرانی: مطالعه وابستگی تکنولوژیکی*، گزارش پژوهشی ایدرو، تیراژ محدود (تهران: سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۶۰) برای پژوهش‌های بیشتر در دیگر کشورهای جهان سوم، جدای از آثار پیش‌تاز سی. وایتسوس، سی. ام. کوپر و فرانسیسکو سیرکوویچ منبع زیر را ببینید:

World Intellectual Property Organization (WIPO), *Licensing Agreements for Developing Countries* (Geneva: WIPO, ۱۹۷۸).

گزارش‌های پژوهشی هیئت همایش‌های ملی صنعتی که بیش از سی سال پیش برای استفاده شرکت‌های امریکایی نوشته شدند هنوز هم از جمله بهترین منابع توصیف اقدامات مجوزدهی خارجی شرکت‌های چندملیتی است. ن.ک

NICB, "Foreign Licensing Agreements: ۱. Evaluation and Planning," *Studies in Business Policy*, no. ۸۶ (New York: NICB, ۱۹۵۸);

و از همین منبع:

"Foreign Licensing Agreements: ۲. Contract Negotiation and Administration," *Studies in Business Policy*, ۱۰.۹۱ (New York: NICB, ۱۹۵۹).

۴۰ piracy of technology

۴۱ Business International, *Operating in Iran*, p. ۹۵.

۴۲ overhead

۴۳ برای دیدگاهی نسبتاً متفاوت منبع زیر را ببینید:

Parviz Asheghian, "Technology Transfer by Foreign Firms to Iran," *Middle East Studies* ۱ (January ۱۹۸۵): ۷۲-۷۹.

عاشقیان بر اساس نظرسنجی‌اش از ۲۷ سرمایه‌گذاری مشترک امریکایی در ایران، در ضمن اشاره به این واقعیت که این شرکت‌ها به سازگارسازی فناوری‌شان با محیط ایران بی‌میل بودند، اذعان می‌کند که این شرکت‌ها برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های تحقیق و توسعه جاری در ایران داشتند. ۴۴ زاپنی‌ها در دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۴ کنترل‌های سفت‌وسختی را بر شرکت‌های چندملیتی خارجی اعمال کردند؛ در ۱۹۶۷، به سمت کنترل آزادشده حرکت کردند؛ از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶ آزادسازی گسترده‌تری را اجرا کردند؛ و در ۱۹۸۰، این آزادسازی را به استثنای برخی صنایع اولیه و فعالیت‌های فرهنگی اصلاح کردند. منبع زیر را نگاه کنید:

A. E. Safarian, *Governments and Multinationals: Policies in the Developed Countries* (Toronto: British-North America Committee, ۱۹۸۳), pp. ۲۵-۲۶.

۴۵ NICB, "Appraising Foreign Licensing Performance," *Studies in Business Policy* ۱۲۸ (New York: NICB, ۱۹۶۹), p. ۴.

۴۶ Japan Fair Trade Commission

۴۷ Ibid.

۴۸ M. Shahid Alam, "The South Korean 'Miracle': Examining the Mix of Government and Market," *Journal of Developing Areas* ۲ (January ۱۹۸۹): ۲۳۷-۳۸.

برای روایت‌های دیگر از کره جنوبی ن.ک

Clive Hamilton, *Capitalist Industrialization in Korea* (Boulder, CO: Westview, ۱۹۸۶); and Richard Luedde-Neurath, *Import Controls and Export-Oriented Development* (Boulder, CO: Westview, ۱۹۸۶).

۴۹ Homa Katouzian, *The Political Economy of Modern Iran* (London: Macmillan, ۱۹۸۱), p. ۳۲۵.

۵۰ مرکز آمار ایران، بررسی کمبودها و وابستگی‌های صنایع بزرگ کشور (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۹).

۵۱ Suk Tai Suh, *Import Substitution Industrialization and Economic Development in Korea* (Seoul: Korea Development Institute, ۱۹۷۵), p. ۲۹۲.